

شخصیت جهانی

امیر المؤمنین علی علیه السلام

بمناسبت ولادت با سعادت امیر المؤمنین علی علیه السلام ، در شب سیزدهم ماه رجب ؛ مجلس جشن باشکوهی در مسجد ایرانیان واقع در شهر استانبول منعقد گردید که جمعی از ایرانیان مقیم استانبول و شیعه‌ها و اهل تسنن و شخصیت‌های بزرگ در آن شرکت داشتند و دانشمند ارجمند جناب آقای حاج میرزا احمد صابری همدانی که از حوزه علمیه قم بکشور ترکیه اعزام شده‌اند ، سخنرانی مفصلی ایراد کردند که با تلخیص از نظر خوانندگان میگذرد . آقای صابری پس از تشکر از حاضرین که دعوت ایشانرا پذیرفته و در جشن شرکت نموده‌اند ، اشاره با اهمیت این عید بزرگ ، چنین اظهار داشتند :

حضار محترم ! یکی از فضلهای بزرگ خدا ، و رحمت‌های الهی بر جامعه انسان ، وجود شخصیت‌های بزرگ جهانی است که راه سعادت و خیر و رشد و صلاح را نشان داده ، و آنان را بسوی فضیلت و معنویت و کمال انسانی ره‌نمائی نموده‌اند . بشر هر چه دارد از بركات وجود این طبقه از مردان بزرگ و رشید دارد که نباید هیچ وقت بدست فراموشی بسپارد . وجود مقدس پیغمبر اسلام در درجه اول نمونه کامل این فضل الهی است .

علی بن ابیطالب (ع) که امشب مصادف با هزار و چهارصد و هشتمین سال ولادت آنحضرت است یکی از رحمت‌های بزرگ خداوندی است که نصیب جامعه بشر گردیده است .

پس ناطق اشاره بموقعیت اصحاب کبار پیغمبر اسلام ، از

مهاجرین و انصار نموده و سخن از حدیث معروف : **اصحابی کالنجوم** و ضعیف شمردن بعضی از علماء ، آنرا ، بمیان آورده و

چنین بیان نمودند :

لکن شما میدانید که ستارگان آسمان درجات مختلفی دارند که بعضی در شرف تکون و بعضی در راه تکامل و قسمتی اصلاً فروغ و روشنائی آنها بمانرسیده و شاید تا آخر هم نرسد ، و قسمتی در عین روشنائی از عهده هدایت و راهنمایی بشر برنمیآیند. فقط ستارگان مخصوصی هستند که برای راهنمایی بشر و هدایت افکار آفریده شده ، حرکات منظم دارند .

علی علیه السلام در میان اصحاب کبار پیغمبر اسلام از آن ستارگان فروزان و درخشانی است که بمنظور هدایت افکار عموم بشر و راهنمایی آنان بسوی خیر و رشد اجتماعی آفریده شده است افکار بلند آنحضرت برای عموم ملت ها در تمام اعصار و تا آخر زندگی بشر مایه سعادت و ترقی است .

روزگار گذشته **علی** را شناخت و قدرش را ندانست ولی امروز مردان بزرگ و دانشمندان ، بمقام بلند آنحضرت پی برده و عظمت و مجد و بزرگواری او را اعتراف دارند . و شاید در آینده ، اجتماع کامل تری پدید آید ، و مردان رشید تری پیدا شود ، و پرده های سیاست از روی جمال و کمال علی (ع) کنار رود و دنیا علی بن ابیطالب امیر المؤمنین (ع) را بسامان شخصیت و مقامی که پیغمبر اسلام بیان فرموده بشناسند و او را بستانند ، و افکار بلند علی و تعلیمات عالیه اجتماعی او صحنه مناسب تری برای تجلیات خویش بدست آورد ، و همان طوریکه اسرار قرآن یکی پس از دیگری بمنصه ظهور و بروز میرسد ، حقائق و روحیات و علوم مقام علی بن ابیطالب هم جلوه کند و حقیقت : **علی مع القرآن و القرآن مع علی** آشکار گردد .

آری علی یکی از رحمت های بزرگ الهی است که بشر بخصوص مسلمانان باید ، بوجود او مباحثات و فخر کنند و اظهار فرح و سرور نمایند چنانچه آیه کریمه ناطق است : **قل بفضل الله و برحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون** .

خطیب بغدادی در تاریخ خود ج ۵ ص ۱۵ آورده : که ابن عباس در تفسیر آیه

شریفه گفته : مراد از فضل الهی پیغمبر و رحمت او علی بن ابیطالب است .

در اینجا گوینده ، فصلی از کیفیت ولادت و تربیت در حجر حضرت خنمی مرتبت ، وسبقت وقوت ایمان علی علیه السلام ، وتوجهات و بیانات پیغمبر اکرم (س) را در باره او ؛ از کتب واحادیث بزرگان اهل سنت نقل نموده و بسخن خود چنین ادامه داده :

در زوائد مسند احمد بن حنبل روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله بام سلمه فرموده ای ام سلمه علی از من ومن از علی هستم گوشت او از گوشت من خون او از خون من است او نسبت بمن بمنزله هرون است نسبت بموسی .

آری گوشت و خون علی از همان طینت و سرشتی است که نور نبوت و ختمی مرتبت از آن بود . قداسی را که پیغمبر ص دارد علی هم دارد - اولویت و ولایتی که پیغمبر اکرم بر مردم داشت ، علی بن ابیطالب هم همان را بر امت دارد ، با تفاوت اینکه آنحضرت نبی است و علی وصی اوست ، و برای همین منزلت و مرتبت بود که در روز غدیر خم در باره علی (ع) ب مردم فرمود : **من کنت مولاه فهذا علی مولاه** .

عظمت و منقبت مولا علی علیه السلام نه بجدی است که بتوان در چنین مجلسی بیان نمود .

خطیب بغداد ؛ و ابن حجر در صواعق گفته اند که سب صد آیه در قرآن کریم در شان علی بن ابیطالب نازل شده که از جمله آیه ۷ از سوره رعد (انما انت هنذر **وکل قوم هاد**) میباشد .

ناطق محترم ، نمونه های دیگری از آیات را از تفسیر طبری و صواعق ابن حجر و درمنثور سیوطی نقل نموده و سپس بیان داشته : اینها شمای بود از منقبت و فضیلت علی بن ابیطالب امیر المؤمنین سلام الله علیه که بمرض محترم آقایان رساندم ، ولی نیازی بدینها نبود زیرا دنیای امر و زعلی را جز با نظر عظمت و فضیلت نمی نگردد و خود را در مقابل علم و دانش او کوچکک میشمرد و هر فرقه و مسلکی میکوشد تا خود را بعلی رساند ، و گفتارش را مستند خویش قرار دهد .

کتاب نهج البلاغه امیر المؤمنین فضائل و کمالات ، شجاعت و زهدات او را برای ما منعکس میسازد ، اگر زاهدی گوشه نشین که چشم از حطام و لذائذ دنیا

بر بسته بگفتار و خطبه های علی (ع) که در خصوص زهد فرموده نگاه کند؛ از زهد و تقوای خویش شرمند شده و علی را امام الزاهدین خواهد شناخت و اگر از نظر عدالت اجتماعی بسخنان علی (ع) نظر شود خواهیم دید که علی مبارزه با ظلم و ستم را شیوه پسندیده مردان شریف دانسته و عدالت و دادخواهی را بزرگترین عبادت می شمرد و برای زیردستان و مستمندان همانرا میخواست که برای خود دوست می داشت بلکه آنان را بر خود مقدم و بر ائمه اش ترجیح میداد .

روزی بجگری میل فرمود؛ فرزندش امام حسن علیه السلام آنرا مهیا نمود ولی هنگام غروب که میخواست بان افطار کند سائلی در رسید و بوی کباب به مشامش رسید تقاضای غذا کرد علی فرمود : **یا بنی احملمها الیه** و بسائل داد. هنگامی دو پیراهن یکی نو و دیگری مستعمل خرید آنرا که نو تازه بود بفلامش قنبر بخشید و او هر چه اصرار کرد که علی (ع) آنرا بپذیرد نپذیرفت غلام گفت: **یا امیر المؤمنین** تو خایفه مسلمانان و پیشوای جهان هستی ! تو را زبید که این پیراهن را ببوشی . لکن چنین فلسفه و منطقی علی را قانع نساخت ، و فرمود : ای غلام تو جوانی و ترا تمایلات شباب و جوانی بر سراسر است ، خوش دارم که بر اندام تو آنرا به بینم و بر احساسات و عواطف پاک جوانی تو لطمه و صدمه ای نزنم . آری این همان روح بزرگ عدالت اجتماعی پیغمبر اسلام بود که در علی (ع) تجلی داشت ، و آنی از یاد بیچارگان و ستم دیدگان او را غافل نمیکذاشت و بحکام و اعمال خود نیز فرمان میداد که از ناله بیچارگان و آه دلسو ز مستمندان غفلت نکنند . این بود مختصری از روح عدالت اجتماعی علی بن ابیطالب که قطره ای از يك اقیانوس بزرگ است . اما روح شهادت و شجاعت آنحضرت را باید از لابلای تاریخ زندگیش جستجو نمود .

و اما حکمت و علم آنحضرت لازم است در این خصوص بحديث شریف : **سول اکرم** نظری شود که فرمود : **انا مدینه الحکمة و علی بابها و من اراد الحکمة و المدینه فلیأتها من بابها** .

منم شهر علم و علیم درست
درست این سخن قول پندبراست
این حدیث را بزرگان و علماء اهل سنت و برادران دینی ما نقل کرده اند
و جای هیچگونه شك و تردید در این نیست که هر کس میخواهد احکام و علوم

اسلامی را بیاموزد باید از در خانه علی (ع) جستجو و طالب کند .
 آن روزیکه مردم از اسرار جهان آفرینش جزائف باء نمیدانستند علی از
 کرات عالم بالا سخن میگفت . و در باره کرات و ستارگان میفرمود : اینها آمدن
 کهدا ائسکم و آنها شهرهایی مانند شهرهای شما هستند .

هنوز گالیله مراحل اولیه حیات خود را نپیموده بود که علی (ع)
 از حرکت زمین خبر میداد ، و این سر بزرگ عالم خلقت را که در هیچ مغزی خطور
 نکرده بود بخوبی میدانست ، و در خطبه‌ای فرمود : فسكنت علی حرکتها ان
 تمید باهلها و تسیخ بحملها او تزول عن مواضعها .

تمام علوم اسلامی از تفسیر و کلام و فقه شیعه و همچنین فقه حنفی و شافعی
 و مالکی و حنبلی ، بالاخره منتهی بامیر المؤمنین (ع) میشود یعنی پیشوا یان چهار
 مذهب شاگرد کسانی بودند که آنها در مکتب علی (ع) درس خوانده بودند .

علی و د که با چند جمله مختصر ؛ علم مفصل نحو را تأسیس کرد و قواعد آنرا
 با بنی الاسود دئلی آموخت .

کلمات و خطبات علی بن ابیطالب است که اصول فن خطابه و اساس فصاحت
 و بلاغت ابد و ستادان ادب و ادبیت تعلیم کرد .

اصحاب پیغمبر و مآحق خلیفه اول و دوم و سوم ، همه در مشکلات علمی
 و حران های سیاسی بامیر المؤمنین علی (ع) مراجعه میکردند . مواردیکه
 خلفاء در مسائل دینی و امور قضائی بحضرت علی مراجعه کرده ، و حل مشکلات را
 بعلم و فکرا و نموده اند ، همه در کتب برادران دینی مائت است ؛ و قسمتی از آن
 در سنن ابی داوود ، و سنن بیهقی ، و مستدرک الصحیحین ؛ و موطأ مالک
 ضبط است .

اینها شمه‌ای از منقبت های علی (ع) میباشد امامت سابقانه دو چیز سبب شد
 که مسلمانان صدر اسلام از رکات علم و فضیلت و کمالات بی پایان علی (ع)
 محروم ماندند و بزرگترین لطمه را بر اسلام و مسلمین وارد آورد ؛ یکی جهالت
 و نادانی عده‌ای از مسلمان نمایان که روح تشخیص نداشتند ، و دیگر اختلاف و
 دوئیت بین طبقات و تشمت افکار و آراء که هزاران مشکلات و ناراحتی برای اسلام
 پیش آورد .

علی (ع) در این باره سخنان آتشین داشت و میگفت : ایها الناس
 المجتمعمة ابدانهم المختلفة اهوائهم ، کلامکم یوهی الصم الصلاب
 و فعلکم یطمع فیکم الاعداء و ایگروه ، مردمیکه در مسائل و مجاس کنارهم
 نشسته و نز ، یک یکدیگرید ؛ اما دلها و خواسته ها ، شما سیر مختلف دارد ، هنگام
 سخن و لاف چنان احساسات نشان میدهند که گفتار و بیانات شما سنگ های سخت
 را تکان میدهد . اما رفتار و کردار شما دشمنان را برای حمله به حوزه اسلامی
 بطمع انداخته و آنان را علیه مسلمین تشجیع میکند .

امروز هم بزرگترین بدبختی مسلمین همان اختلاف و دوئیت است که اجانب را
 بر ما ، ساط ساخته و مالک اسلامی را بمخاطره انداخته است . و نیز میفرماید :
 انما انتم اخوان فی دین الله و ما ناشه برادران دینی یکدیگرید و ما فرق
 بینکم الا خبث السرائر و سوء الضمائر ، و جدائی و دوئیت را منشای جز
 بلیدی و ناپاکی افکار نیست و برای آن علنی غیر از بدی معنویات نتوان یافت .
 در خاتمه این چند بیت تقدیم حضار محترم میگردد :

چو شود که ای شه لافنی	نظری به جانب ما کنی
که بکیمیای نظاره ای	مس قلب تیره طلا کنی
یمن از عقیق تو آیتی	چمن از رخ تو طراوتی
شکر از لب تو حکایتی	اگرش جو غنچه تو وا کنی
بنما ، زاب ، تو تبسمی	بزبان نما تو تکلمی
بتکلمی و تبسمی	همه دردها تو دوا کنی

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته